



از بگفت و گو

تألیف: دکتر مهدی ایران‌نش
مضوینت علمی و انشأه صنعتی شامروود



انتشارات قائم

سرشناسه	: ایرانمنش، مهدی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ادب گفت‌وگو/تألیف مهدی ایرانمنش.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قائم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۸ ص.
شابک	: 978-964-6139-53-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: گفت‌مان
موضوع	: Discourse analysis
موضوع	: گفت‌مان - جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Discourse analysis - Social aspects
موضوع	: گفت‌مان دینی
موضوع	: Religious discourse*
رده‌بندی ده‌گانه	: ۱۳۹۵ الف۹الف ۲۳۰۲/۴
رده‌بندی دی‌سی	: ۴۰۱/۴۱
شماره کتابخانه ملی	: ۴۴۹۷۵۴۷

انتشارات قائم

ادب گفت‌وگو

تألیف	: دکتر مهدی ایرانمنش
ناشر	: انتشارات قائم
نوبت چاپ	: اول - ۱۳۹۶
تیراژ	: ۱۰۰۰ جلد
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۳۹-۵۳-۴
کلیه حقوق متعلق به انتشارات قائم می‌باشد و هرگونه استفاده غیرمجاز از این اثر ممنوع است.	ISBN=978-964-6139-53-4

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، بعد از چهار راه روانمهر، کوچه دیده‌بان، پلاک ۲، (۱۳۰ قدیم) - صندوق پستی: ۱۳۱۴۵/۱۷۵۵ تلفن: ۶۶۴۱۵۷۷۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۰۹۶۵

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱	فهرست
۱	بخشگفتار
۴	قدمه
۲۳	۱ گفت‌وگو در افق معنایی جدید
۲۴	۱.۱ معنا و مراد از گفت‌وگو
۲۳	۲.۱ گشودگی و گفت‌وگو
۲۳	۳.۱ ناب گرایی در گفت‌وگو
۳۶	۴.۱ گفت‌مان، پارادایم و گفت‌وگو
۳۷	۵.۱ سقراط فیلسوف گفت‌وگو
۴۰	۶.۱ ما و گفت‌وگو
۴۲	۷.۱ گفت‌وگو در افق معنایی جدید
۴۵	۸.۱ باختین و مطالعات نوین در زمینه گفت‌وگو
۴۷	۹.۱ گفت‌مان گفت‌وگو و نسبیت
۴۹	۱۰.۱ گفت‌وگو و یادگیری
۵۱	۱۱.۱ مناظره
۵۶	۱۲.۱ گفت‌وگوهای درون دینی
۵۹	۱۳.۱ آیا منطق دین، منطق گفت‌وگو است؟
۶۸	۱۴.۱ چه زمانی منطق متدینان، منطق گفت‌وگو خواهد بود؟

۷۱	فصل ۲ گفت‌وگو در ساحت‌های گوناگون
۷۲	۱.۲ گفت‌وگو با خود
۷۵	۱.۱.۲ فاصله گرفتن از خود
۷۸	۲.۲ گفت‌وگو با دیگران
۷۹	۱.۲.۲ فهم سخن دیگری
۷۹	۲.۲.۲ پیوند فهم با پیش دانسته‌ها و پیش‌فرض‌ها
۸۲	۳.۲.۲ پیوند فهم با گفت‌وتمان سخن
۸۲	۴.۲.۲ ترجمه تجربه‌ها در گفت‌وگو با دیگران
۸۴	۵.۲.۲ نهیدن و گفت‌وگوی با دیگران
۸۵	۶.۲.۲ اخلاق و گفت‌وگوی با دیگران
۸۶	۷.۲.۲ روش‌شناسی و گفت‌وگوی با دیگران
۸۹	۸.۲.۲ گفت‌وگو در عرصه ملی و بین‌المللی
۹۲	۹.۲.۲ گفت‌وگو با دیگران
۹۶	۳.۲ گفت‌وگوی فرهنگ‌ها گفت‌وگوی ادیان
۹۶	۱.۳.۲ ما در کدام فرهنگ هستیم؟
۱۰۵	۲.۳.۲ حصار خود
۱۰۶	۳.۳.۲ انزوا، یا ارتباط و گفت‌وگو فرهنگی
۱۱۰	۴.۳.۲ مواجهه هویتی، مواجهه فرهنگی
۱۱۵	۵.۳.۲ گزینش و التقاط
۱۱۸	۶.۳.۲ دغدغه‌های دینی، فردینی و بیرون دینی
۱۲۵	۷.۳.۲ گفت‌وگوی ادیان
۱۳۱	۸.۳.۲ آیا یقین دینی با گفت‌وگو سازگار است؟
۱۳۶	۴.۲ گفت‌وگو با خداوند
۱۳۷	۱.۴.۲ خود فراموشی
۱۳۹	۲.۴.۲ زندگی در حضور خداوند
۱۵۱	۳.۴.۲ گفت‌وگوی درونی با خداوند

۱۶۲	گفت‌وگو با خداوند در سکوت	۴.۴.۲
۱۶۳	شنیدن آوای هستی	۵.۴.۲
۱۶۶	موسیقی، زمزمه‌ای قدسی	۶.۴.۲
۱۷۳	آنگاه که کلمه سخن می‌گوید	۷.۴.۲
۱۷۷	فصل ۳ آزادی بیان و نقد، لوازم بیرونی تحقق گفت‌وگو	
۱۷۸	۱.۳ آزادی بیان	
۱۸۰	۱.۱.۳ مخالفان آزادی بیان چه می‌گویند؟	
۱۸۴	۲.۱.۱ موافقان آزادی بیان چه می‌گویند؟	
۱۸۵	۳.۱.۳ بیان و کشف حقیقت	
۱۸۶	۱.۳ آزادی بیان بستر استحکام نظام سیاسی	
۱۹۰	۵.۱.۳ رذیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی	
۱۹۵	۶.۱.۳ آزادی بیان و جامع دینی	
۱۹۶	۷.۱.۳ آزادی و دموکراسی، آمیزشی و متکی بر فرهنگند	
۱۹۷	۸.۱.۳ برخی علت‌هایی که مانع آزادی بیان‌اند	
۱۹۹	۹.۱.۳ آزادی نقد	
۲۰۲	۱۰.۱.۳ آزادی نقد معرفت دینی	
۲۰۴	۱۱.۱.۳ چه کسانی تحمل نقد را ندارند	
۲۰۶	۱۲.۱.۳ ادب نقد	
۲۱۳	۱۳.۱.۳ اخلاق نقد	
۲۱۴	۱۴.۱.۳ مرز نقد و اهانت	
۲۱۶	۱۵.۱.۳ وظیفه ما در مواجهه با اهانت	
۲۱۷	فصل ۴ لوازم درونی تحقق گفت‌وگو	
۲۱۸	۱.۴ ادب ارتباط	
۲۲۳	۱.۱.۴ ارتباط برای تغییر است نه تحقیر	
۲۲۳	۲.۱.۴ برخی موانع ارتباطی در زندگی انسان‌ها	
۲۲۹	۳.۱.۴ چند مانع ارتباطی در زندگی برخی از دینداران	

۲۳۵	شخصیت و ارتباط ارزشمند	۴.۱.۴
۲۳۸	محدوده ارتباطات و صمیمیت در روابط	۵.۱.۴
۲۳۹	روابط بر پایه دوست داشتن و ایجاد اعتماد	۶.۱.۴
۲۳۹	ارتباط با جوانان	۷.۱.۴
۲۴۳	نقش واسطه‌ها در ارتباطات	۸.۱.۴
۲۴۴	ادب ارتباط با مخالف، ادب داوری	۹.۱.۴
۲۴۷	تقوا و ارتباط با مخالف	۱۰.۱.۴
۲۴۸	تساهل و تسامح، پویایی و بالندگی یا التقاط و انحراف	۱۱.۱.۴
۲۵۳	آیا نیده دینی با تساهل و تسامح جمع شدنی است	۱۱.۴
۲۵۵	رویکرد معطوف به موفقیت، رویکرد معطوف به مفاهمه	۱۳.۱.۴
۲۵۹	رویکرد معطوف به مفاهمه و «مدارا»	۱۲.۱.۴
۲۶۲	پشت‌پنجه‌های نظری برای مدارا	۱۵.۱.۴
۲۶۶	دیگر جنبه‌های مدارا	۱۶.۱.۴
۲۶۸	رواداری در جامعه	۱۷.۱.۴
۲۷۵	نزدیکترین الگوی ارتباطی، کنش متقابل اخلاقی	۱۸.۱.۴
۲۷۹	مهارت‌های ارتباطی	۱۹.۱.۴
۲۸۴	ارتباط و تنش	۲۰.۱.۴
۲۸۵	تفاوت‌های فرهنگی و تنش	۲۱.۱.۴
۲۸۸	تنش و شخصیت	۲۲.۱.۴
۲۹۰	مقایسه نظرات شخصیت‌های چهارگانه	۲۳.۱.۴
۲۹۲	تنش زدایی در ارتباطات	۲۴.۱.۴
۲۹۵	ادب گوش	۲.۴
۲۹۵	شنیدن و گوش دادن	۱.۲.۴
۳۰۳	گوش و فربهی اخلاق و خرد	۲.۲.۴
۳۰۷	ادب زبان	۳.۴
۳۱۰	ادب زبان	۱.۳.۴
۳۱۲	شنیدن از سکوت، گفتن با خاموشی	۲.۳.۴

۲۲۱	ادب گفت‌وگو	۴.۴
۲۲۲	خودشیفتگی فردی و فرهنگی	۱.۴.۴
۲۲۵	فروتنی معرفتی و اخلاقی	۲.۴.۴
۲۲۷	ادب گفت‌وگو در خانواده	۳.۴.۴
۲۲۹	جدال احسن، ادب گفت‌وگوی دینی	۴.۴.۴
۲۳۳	زمان اعراض از گفت‌وگو	۵.۴.۴
۲۳۶		
۲۳۹		
۲۴۰		

راجع

مایه موضوعی

مایه اشخاص

www.ketab.ir

پیشگفتار

یکی از پرسشهای هر انسان دردمندی از خود این است که چگونه می‌توان «نهاد نا آرام» سرایت را آرامش بخشید؟ آیا ساحلی هست که این «نهاد نا آرام» و پر خروش و سود آدمی در دامنش آرامش گیرد؟ چرا این همه کشمکش و جدایی در میان آنان دیده می‌شود؟ چه گامی می‌توان در راه وحدت یا همراهی و همدلی انسانها برداشت؟ چه گامی می‌توان در راه وحدت یا همراهی و همدلی متدینان و مسلمانان برداشت؟ اصلاً مگر گامهای کوچک ما اثری هم خواهند داشت؟ آن هم برای افرادی که سالهاست استمدادی با هم اختلاف ورزیده‌اند. اختلافی که به قول سید جمال الدین «سدّ آدمی» گویا مسلمین اتفاق ورزیده‌اند که با هم اتفاق نورزند. لابد می‌گویید اگر درست به «انی مشترکشان» یعنی «کتاب و سنت»، رجوع کنند این اختلافات برطرف می‌شود. بله چه خوب بود اگر چنین می‌شد، اما به قول پاره‌ای از متفکران، سالهاست هم «کتاب» و هم «سنت» در میان آنها بوده است و اتفاقاً بر سر فهم هم در اختلاف داشته و هر يك بر درستی فهم خود از آنها تأکید ورزیده‌اند. به رسانی مگر چه موانعی بر سر راهند؟! اگر دین آمده است که دینداران را از «تخاصم» هال نا نجات بخشد، چه مشکلی موجود است که نه گاه و بیگاه که فراوان بدان دچار می‌شوند و با اینکه بر پریشانی خود واقفند، نومیدانه هر اقدامی را و می‌نهند؟

مگر دین برای این نیامده بود که به زیست معنوی آدمیان رونق داده؛ به داد آنان رسیده و گر از کار فروبسته آنان بگشاید، پس چرا خود مسئله‌ای افزون بر دیگر مسائل شده است؟ گویی آدمیان درمان «دردهای خود» را فراموش کرده و درد دیگری به نام «درد دین» (به معنای منفی آن) را هم بر آن دردهای پیشین افزوده‌اند؟ آیا جای تأمل نیست که آنان در دین شناسی و دینداری خود

و راه‌های وصول به آن تأملی دوباره کنند و ببینند که این چنین دینداری، چه باری از دوش آنان برداشته است؟ آیا دینی که پیامبر(ص) عرضه کرد، پیچیده، تفرقه‌انگیز و دشمن‌ساز بود؟ قرآن کریم می‌گوید: «یه یاد آرید که شما [پیش از بعثت] دشمنان یکدیگر بودید و خدا دل‌های شما را به هم نزدیک، و برادری را جانشین دشمنی کرد.» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) چه نسبتی است میان دین محمد(ص) که توانست از بت‌پرستان مکه و مدینه، خدایپرستانی همدل و هم‌بشارت، با دین ما، که هزار فرقه شده و به جان هم افتاده‌ایم؟ به راستی ما، چگونه ما شدیم؟ آیا کافیت که هر دم چو بید بر سر ایمان خود بلرزیم؟ یا مشکل در بن‌مای، دیگری نیز هست؟ راه نجات و رهایی کجاست؟

گروهی از اندیشمندان، جمع «عقلانیت و معنویت» را توصیه کرده و آنرا راهی به رهایی می‌دانند. برخی گفته اند چاره‌ای نیست جز آنکه دائماً «دفتر عقل» را ورق بزنیم و «آب عشق» را تجربه کنیم. اما اوراق دفتر عقل چگونه ورق خواهند خورد؟ آیات عشق و معنویت چگونه بر ما نازل خواهند شد؟ اگر پاسخی بر این دو سؤال یافیم، ترک بآن دو را چه کنیم؟ آیا می‌شود آنها را با هم داشت؟ مگر نه این است که گروهی گریبان عقل را با دو دست گرفته، دست معنویت و عشق را رها کرده و سپس آنرا گم کرده‌اند. در آن سو هم جماعتی دیگر دامن عشق یا معنویت را رها کرده و با عقل گرفته، سودای عقل را به کلی از سر به در کرده‌اند. مگر دستیابی توأمان به این مباحث ناممکن است یا اینها از اساس نامتجانس و غیر قابل جمعند؟ آیا می‌توان به طور توأمان از آنها سخن گفت؟ هم دست در دست مهربان عقل گذاشت و هم عزیز عشق را در آغوش کشید؟ فرهیختگان به ما گفته‌اند و نشان داده‌اند که این آرزو برآمدنی است، به شرط آن که بتوانیم نگاه و بینشمان را عوض کنیم. آنچنان که نه تنها بر سر سفره «عقل و عشق» بنشینیم که به هم‌سخنی و هم‌آوایی با هر دو دست یابیم. در این صورت است که فلسفه و عرفان، عقل و دین، دانش و معنویت، و علم و حکمت، دست در دست هم، به ضیافت ذهن و ضمیر آدمی آمده، حفره‌های وجود او را یکی پس از دیگری پر خواهند کرد.

در این میانه، او صاحب خانه‌ای می‌شود که نه از استحکام و انتظام آن

غفلت ورزیده و نه پاکیزگی و آراستگی‌اش را به فراموشی سپرده. هر دم هم «آوا و نوا»یی دلنواز از درون آن شنیده می‌شود که با آن، می‌توان هم سهم عقل را داد و هم نیاز دل را برآورد؛ هم شور و نشاط و حرکت داشت و هم صدق و صفا و طهارت یافت. در چنین خانه‌ای «گفت‌وگو» ضرورتاً جایگاه ویژه‌ای دارد، و به همین دلیل نه او از دیگران غائب است و نه آنها از وی پنهانند. آنها واقعاً در محضر یکدیگر و در محضر خدایشان نشستند. آنها به درستی می‌دانند که چگونه ممکن است آدمیان به ظاهر در کنار یکدیگر حاضر ولی در باطن از یکدیگر غائب باشند و رازهایشان عمری بر یکدیگر پوشیده بماند. اجسام، اشیاء و شاید حیواناتند که برای همیشه از یکدیگر غائبند. آدمیت را نور حضور شایسته است نه ظلمت غیبت.

این کتاب کوششی است به نواضعانه، تا ما آدمیان در روشنائی حضور یکدیگر، به گفت‌وگو نشستیم و با هم بنشینیم. زیرا «با هم اندیشیدن، راز گفت‌وگو» است و از آنجا که کسان بسیاری «ادب» با هم اندیشیدن را فرا نگرفته‌اند، آنرا گفت‌وگو» نام نهادم. وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ.

مهدی ایران منش

فروردین ۱۳۶۶